

آیا حوادث اخیر، برملا کننده توان امت برای قیام و نهضت دوباره نیست؟!

مقالات



(ترجمه)

امت اسلامی در طول تاریخ خود، بحران‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است که از آن جمله می‌توان به حملات صلیبیان به بیت المقدس و حملات مغولان به تعدادی از سرزمین‌های اسلامی از جمله مرکز خلافت عباسی اشاره کرد که بکلی آن‌ها را ویران کردند. اما امت اسلامی در برابر این حملات شدید مقاومت نمود و از شر آن عافیت یافت و دوباره به مجد و عظمت خود و به رهبری جهان نایل گشت، زیرا یک دوران ضعف سیاسی و نظامی را تجربه کرد. اما در جریان دو قرن اخیر، با بحران ایدئولوژیکی که به دولت آن اصابت کرد و آن را کاملاً متلاشی ساخت، مواجه شد تا جایی که دوباره نتوانست قیام نماید. بنابر این، می‌خواهیم تا برجسته‌ترین گام‌های غرب در حذف دولت اسلامی را خاطر نشان سازیم و سپس راه پایان بخشیدن به این بحران ایدئولوژیکی را بیان کنیم و از بازگشت دولت مسلمانان و عزت شان سخن رانیم.

اول: کنفرانس وستفاليا که در سال ۱۶۴۸م بین متفکران، سیاستمداران و پاپ‌های اروپا به منظور بحث در مورد چگونگی توقف ورود موج اسلامی بر اروپا و از بین بردن دولت اسلامی برگزار شد. بعد از تلاش‌های بسیاری به این نتیجه رسیدند که مشکل در موجودیت وحدت و دولت مسلمانان می‌باشد که بر پایه عقیده اسلامی بناء شده است. بنابر این، تصامیم مهمی را روی دست گرفتند که اثر آن تا چهارصد سال برجای ماند. مهم‌ترین این تصامیم عبارتند از:

۱- باید صفوف خود را وحدت بخشند و برای حل اختلافات شان تلاش ورزند تا بتوانند خود را وقف مبارزه با اسلام و دولت آن بکنند.

۲- اعزام خاورشناسان برای شرکت در میان رعایای دولت اسلامی، نفوذ در میان رهبران، دانشمندان و متفکرین آن و مطالعه اسلام با تاریخ آن و سپس فعالیت کردن در راستای متلاشی ساختن دولت از داخل؛ این خطرناک‌ترین

اقدام غرب کافر علیه مسلمانان و دولت شان در طول تاریخ به شمار می‌رود، زیرا اولین تیشه در پیکر دولت مسلمانان بود که سبب نابودی عزت، شوکت و نیروی مسلمانان گردید.

دوم: با تحقق قریب‌الوقوع مفاد کنفرانس وستفاليا، کنفرانس کمبل در سال ۱۹۰۷م برگزار شد که موارد ذیل را تصویب و توصیه کرد:

- ۱- متلاشی ساختن دولت مسلمانان.
- ۲- متفرق ساختن مسلمانان در کانتون‌های کوچک بنام کشور.
- ۳- ایجاد نقاط درگیری مشترک بین این کانتون‌ها، بخاطر خلق کردن مشکلات و اختلافات بر حسب ضرورت در بین شان.
- ۴- به مسلمانان اجازه داده نشود تا رنسانس علمی و صنعتی داشته باشند، مگر در یک حوزه محدود.
- ۵- نظارت بر تعیین حکام مسلمانان و تلاش برای گسترش فساد مالی، اداری و اخلاقی بطور سیستماتیک در بین شان.

بنابر شواهد و دلایل ذیل، موارد فوق به اجراء درآمد:

اول: اظهارات نخست وزیر انگلیس در همان وقت در مجلس عوام آن: «از امروز به بعد، هرگز مسلمانان سر پای خود ایستاده نخواهند شد، زیرا ما دو رکن مهم یعنی؛ اسلام و خلافت را از میان شان حذف کردیم.»

دوم: قرار داد ساینس-پیکو، که بین انگلیس و فرانسه پس از پیروزی آن‌ها در جنگ جهانی اول منعقد شد و در جریان آن، دولت مسلمانان نابود و متلاشی گردید و برای آن، پرچم‌ها و مرزهایی که آن‌ها را از سایر سرزمین‌های اسلامی متمایز می‌گشتاند، ترسیم گردید که در نتیجه، سرزمین‌های اسلامی تحت حاکمیت فرزندان امت به مبارزه بر سر مرزهای ساختگی و منافع خیالی پرداختند.

اما آنچه غرب را مجذوب و مأیوس کرد، این بود که امت اسلامی را با وجود ضعف ناشی از مصایب مبتلا شده یک امت همیشه قوی و زنده یافت که در تلاش کسب عافیت بود. هرگاه مصیبت جدیدی در سرزمین‌های اسلامی رخ می‌داد و کفار به یکی از آن‌ها حمله‌ور می‌شدند، با دفاع مسلمانان مواجه می‌شدند، که بعنوان مثال می‌توان از افغانستان، عراق، سوریه، چین، بوسنی، هرزگوین و... یادآور شد.

بعد از سال ۲۰۰۰م مراکز تحقیقاتی غربی شروع به پیش‌بینی فروپاشی‌های بزرگ در میان نظام‌های عربی کردند که بطور نمونه؛ گزارش امریکایی در سال ۲۰۰۷م در مورد جدی بودن وضعیت یمن، وخامت وضع اقتصادی و فروپاشی آن در ظرف ده سال آینده و هم‌چنین ظهور طرح خاورمیانه جدید و آنچه از متلاشی شدن سرزمین‌های اسلامی به همراه دارد را می‌توان خاطر نشان ساخت. هنگامی که غرب به آغاز احتقان پی برد و جنبش‌های مردمی را علیه حکام مسلمانان در برخی از کشورها به ویژه پس از

انقلاب مردمی تونس نظارت کرد، هر کشور غربی که در سرزمین‌های مسلمانان نفوذ داشت، شروع به تنظیم اوراق خود بر دو وجه کرد:

اول: چگونه می‌توان با ایجاد جنبش‌های مصنوعی که شبیه انقلاب یا حاوی یک انقلاب خودجوش است، مناطق نفوذ خود را حفاظت کرد تا فرصت را از مردمی که خواهان تغییر هستند، بگیرد و مانع رهبری انقلاب مردمی علیه خود از سوی یک دولت بزرگی دیگری شود.

دوم: یکی از قدرت‌های بزرگ، باید در صدد آن باشد تا جنبش‌های موجود در سرزمین‌های اسلامی را که تحت نفوذ یک دولت بزرگ دیگری هستند، تحت نفوذ خود درآورد و یا چنین جنبش‌های را ایجاد کند تا توسط افراد خود آن‌ها را رهبری کند و یا از این طریق بتواند برای کاهش فشار بر افرادش، زمینه مذاکره را در دیگر کشورها مهیا کند. این چیزی است که عبدربه منصور هادی چندین بار در شبکه‌های ماهواره‌ای تصریح کرده است: «آن‌ها به جای دمشق صنعا را می‌خواهند.» و آنچه که در زمان اقدام انگلیس برای مهارکردن انقلاب سوریه بخاطر ضربه زدن به دست‌نشانده‌های امریکا در حالی که بحث پیرامون کنار رفتن بشارآسد از قدرت بود، اتفاق افتاد، از این همین جمله می‌باشد، اما پس از ناکامی آن در مهارکردن انقلاب و آگاهی مردم از طرح آن؛ دولت‌های بزرگ حاضر به ضربه زدن به انقلاب شدند، حتی بوسیله تخریب شهرها بالای باشندگان آن، چنانکه بشار در این مورد اظهار داشت: «مشکل با تروریست‌ها نیست، بلکه در حمایت مردمی است که میلیون‌ها تخمین زده می‌شود. بنابر این، این حمایت باید نابود شود.» این کار محقق شد و پیمان بین المللی با بشار امضاء شد، که اطراف این پیمان بطور آشکارا ایران، روسیه و ترکیه اعلام گردید، اما در نهران، ده‌ها کشور و ملیشه در آن سهم داشتند.

لیبی خیلی دور نیست، به گونه‌ای که امریکا نفر خود، حفره را که چندین دهه در نزدش سکونت داشت، در لیبی آورد تا آن را به نفعش علیه رژیم سراج که تابع انگلیس بود، رهبری کند.

با وجود تمام آشفتگی‌ها و ناهنجاری‌هایی که اکثر کشورها با آن مواجه شده اند و با وجود انقلابات و گردهمایی‌های مردم در آن و بی‌توجهی به وضعیت مردم، بازهم این حوادث به اذن الله سبحانه و تعالی به نفع امت می‌باشد. دلیل آن را می‌توان نکات ذیل برشمرد:

- ۱- إفشاء شدن حکام و علمایی که بعضی‌ها همیشه فریب آن‌ها را می‌خوردند.
 - ۲- إفشاء شدن برخی از گروه‌هایی که ادعای اسلامی بودن را می‌کردند، نظر به این دلایل:
- ✓ زیرا برخی از آنان که به قدرت رسیدند اسلام را تطبیق نکردند و آن‌های هم که به قدرت نرسیدند، در این وقایع و حوادث توسط موقف‌گیری‌های شان رسوا شدند.
 - ✓ نداشتن طرح اسلامی برای سوق دادن امت بسوی نهضت و قیام.
 - ✓ إفشاء شدن ارتباطات شان با غرب.

- ✓ عدم ارتباط و گردهمایی امت در اطراف آن عده از کسانی که پروژه‌های سکولاری و قومی را بر عکس دهه‌های قبلی به پیش می‌برند.
- ✓ سقوط تمام پروژه‌های ظاهراً خوب و افشاء شدن نادرستی آن‌ها.
- ✓ وقوع امت در حالت جستجو و تحقیق به دلیل از بی‌اعتبار شدن اشخاص و یا احزابی که در ذهن شان ترسیم‌های گلگونی مصور می‌ساختند و این خوب است، زیرا سبب می‌شود تا برای پیدا کردن راه حل دست بکار شوند و تفکر کنند که آیا این تقلید کورکورانه که از معتمدین شان می‌کنند درست است و یا خیر.
- ✓ ردوبدل شدن کلمه خلافت و یا دولت اسلامی در بین امت و جلب توجه آن.
- ✓ اظهارات سران کفر، چنانکه وزیر امور خارجه فرانسه گفت: «ما نمی‌توانیم از ایجاد خلافت جلوگیری کنیم، اما برای تأخیر انداختن آن تلاش خواهیم ورزید.»
- ✓ عدم اعتماد امت نسبت به کسانی که بعد از این انقلابات آمده اند و یا می‌آیند، زیرا دانسته اند که آن‌ها یا نسخه عوضی حکام قبلی اند و یا بدتر از آن‌ها.

پس از تمام آنچه که ذکر کردیم، یادآور می‌شویم که وقایع و حوادث سال ۲۰۱۱ م موارد ذیل را به اثبات رساند:

- ۱- نظام‌های حاکم در سرزمین‌های اسلامی از مشروعیت و قدرتی برخوردارند که جنبه مردمی ندارد؛ به دلیل دخالت ایران و شبه‌نظامیان آن از یمن، عراق و لبنان و همچنین دخالت روسیه، ایران و دیگر دولت‌ها در حمایت علنی بشار آسد. بر علاوه کشورهای نام‌برده، تعدادی زیادی هم بدون اعلام مشارکت دخالت دارند.
- ۲- این نظام‌ها مشروعیت خود را از اربابان استعمارگر خود می‌گیرند که مصر شاهد آنست؛ آنگاه که مبارک بدون اطلاع و یا اشاره قبلی توسط وزیر دفاع آن از قدرت برکنار شد. هم‌چنین بشار آسد، زمانی که سازمان ملل درباره خروج او بحث می‌کرد و سپس وقتی متوجه شد که کنترل انقلاب در سوریه دیگر امکان پذیر نیست، از موقف خود عقب‌نشینی کرد.
- ۳- این نظام‌ها با عقیده و عرف امت هیچ هم‌خوانی ندارند، لذا نظام‌های سست و بی‌بنیاد بوده که در آستانه فروپاشی قرار دارند.

با جمع‌بندی مطالب فوق، متوجه می‌شویم که امت می‌تواند این نظام‌ها را ریشه‌کن نماید و نظام شرعی و درست را اقامه کند، مشروط به شرایطی که برخی از آن‌ها قرار ذیل اند:

- ۱- بازگشت امت بسوی طرز فکر صحیح.
- ۲- بازنگری در دینش تا خبائث قومی، وطن‌پرستی، کمونیزم و دیموکراسی که در طول دو صد سال اخیر واردش شده دور گرداند.
- ۳- با آگاهی و بصیرت در اطراف کسانی که برای اقامه خلافت فعالیت می‌کنند، گرد آید و به هر ندایی لبیک نگوید.
- ۴- از فشارهای وارده از قبیل ظلم، تحریف و ذلت ناامید نگردد و باید بداند که وظیفه رسولان را بر عهده دارد.

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ [البقرة: ۱۴۳]

ترجمه: و بی‌گمان شما را امت میانه روی گردانیم، تا گواهانی بر مردم باشید (و بر تفریط مادی‌گرایان و لذائذ جسمانی طلب و روحانیت باخته، و بر افرات تارکان دنیا، ناظر بوده و خروج هر دو دسته را از جاده اعتدال مشاهده نمائید).

۵- کار برای تغییر باید با ضربه زدن به افکار کفری باشد، نه با نظامیان و سلاح‌هایی که فقط برای کشتن مسلمانان به کار می‌رود.

در پایان، از الله سبحانه و تعالی خواهانیم که در تأسیس دولتی که آن را می‌پسندد و توسط آن؛ مسلمانان را گرامی و اسلامی را که رحمتی برای جهانیان است، نیز عزت بخشیده و آن را گسترش می‌دهد، تعجیل فرماید! همانا او در این کار تواناست!

نویسنده: مهندس محسن محمد الجعدبی- ولایه یمن

مترجم: محمد مزمل